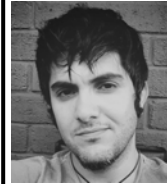


در جستجوی بقا

فواد عبداللهی



طولی نکشید آشکار شود که تمام پروژه پرزیدنت روحانی و بازگشت به

دامن "جامعه جهانی"، چیزی جز برگ برنده ای در دست بورژوازی ایران و در راس آن جمهوری اسلامی برای "حفظ منافع نظام" و مهار مطالبات رفاهی و سیاسی اکثریت مردم محروم ایران نیست؛ حیف است این مدت که "کنشگران ملی - مذهبی خارج کشور"، از بقایای اکثریت و حزب توده تا نمایندگانشان در بی بی سی، گلو پاره کردند بلکه این دولت اعتدال شان را به جامعه بفروشد، در موردشان چیزی نگفت. باور کنید بعد از این همه سال و این همه کارهای "عجیب و غریب" و آکروبات بازی این جبهه اپوزیسیون پرو رژیم در خارج کشور، باید تا حالا ما عادت کرده باشیم و به شکلی واکسینه شده باشیم و دیگر چیزی ما را شگفت زده و شوکه نکند، ولی با وقاحتی که در این "اپوزیسیون" هست حتی اگر فسیل هم شود باز جادو جنبل جدید در چنته و آستین دارند. "کنشگران ملی - مذهبی خارج کشور" در پی حملاتی که اخیرا جمهوری اسلامی به فعالین کارگری و عرصه های اجتماعی سازمان داده، در فراخوانی به "آقای رئیس جمهور" و وزارت اطلاعات این رژیم که کرکره پنجره هایش لخته خون گرفته، خواسته که: "با نیروهای افراطی و نهادهای غیرقانونی همراهی نکنند!!" ایشان با عزمی جدی و برنامه هایی مشخص و مبتنی بر قانون و اراده اکثریت ملت و منافع و مصالح ملی در این مسیر بکوشند و با جبران کاستی های گذشته فضایی نسبی برای فعالیت فعالان مدنی و سیاسی و صنفی فراهم آورند... "ملاحظه میفرمایید! خر دجال هوا میکنند؛ میخواهند بگویند دولت و مجلس و سازمان مخوف اطلاعات بی تقصیراند و بز تشریف دارند. یک تبلیغ و تمجید تمام عیار از دولت اعتدال روحانی و دستگاه سرکوب و سانسور اطلاعات! این کلاشان به همان شغل کثیفی مشغول اند که سی سال پیش هم بودند. آن زمان برای سرکوب انقلاب ۵۷ به جریان اسلامی لیبک گفتند و امروز نیز با همان چنگ و دندان تبلیغاتی... صفحه ۴

به مناسبت بازگشایی مراکز تحصیلی

حزب کمونیست کارگری حکمتیست - خط رسمی

با باز گشایی مدارس و دانشگاهها میلیونها دانش آموز و دانشجو همراه با صدها هزار معلم برای شروع دوره دیگری از تحصیلات راهی مراکز آموزشی شدند. در این صف وسیع و میلیونی جای چند میلیون از کودکان، نوجوانان و جوانانی خالی است که بدلیل وضعیت اسف بار اقتصادی، یا امکان رفتن به مدرسه را نداشتند و یا امکان ادامه تحصیل. این محرومیت در صدای اعتراضات طبقه کارگر، به حقوق معوقه و به فقر و بیکاری و پایین بودن دستمزدها و ناتوانی خانواده های کارگری در تامین شهریه و تامین بودجه برای تحصیل فرزندانشان و در اعتراض آنها به حاکمیت و دولت بورژوازی ایران عیان است. در این صف همزمان جای صدها و هزاران معلم، دانش آموز و دانشجو خالی

است که به جرم اعتراض به بی عدالتی، به جرم اعتراض به بی حقوقی و به جرم دفاع از ابتدایی ترین حقوق انسانی خود یا در زندان هستند یا از مراکز آموزشی اخراج شده اند. بازگشایی مراکز تحصیلی هر ساله شروع دوره ای دیگر از جدال نسل جوان با جمهوری اسلامی علیه بی حقوقی کامل، علیه نابرابری و استبداد سیاسی و فضای پلیسی در محیطهای آموزشی است. مبارزاتی که با همه فراز و نشیب های تائکنونی خود، یک میدان جدال جدی صف آزادیخواهی در آن جامعه علیه ارتجاع حاکم بوده است. مبارزاتی که دانشگاه و نسل جوان متمدن و آزادیخواه در دانشگاه محور و موتور محرکه آن بوده اند. بعلاوه، بازگشایی مراکز

اطلاعیه پایانی نشست دفتر کردستان حزب حکمتیست - خط رسمی صفحه ۲

تحصیلی برای دهها هزار معلم امکانی برای پیگیری مطالباتی است که در دوره گذشته صف وسیعی از آنان را در مقابل حاکمیت قرار داد.

مبارزاتی که در سراسر ایران صدای حق طلبی آنها را به هر شهر و روستایی برد. امسال در شرایطی مراکز تحصیلی بازگشایی میشود که خواست و مطالبات معلمان بدون جواب مانده است و جامعه و خصوصا نسل جوان در مراکز تحصیلی و خانواده هایشان با سمپاتی بالایی در انتظار قد علم کردن دوباره آنها در دفاع از زندگی شرافتمندانه و قابل تحمل، در دفاع از حرمت و کرامت خود در این دوره هستند. ... صفحه ۲

باید راساً کاری کرد!

آذر مدرسی



در دنیای سیاه میداننداری ناسیونالیسم و مذهب و ارتجاع راست، سیل آوارگان جنگی خاورمیانه و موج عظیم انسانیت و بشردوستی بیش از پیش تناقض جهان امروز را نشان داد. یکماه گذشته جهان شاهد بیداری مجدد انسانیت، عدالتخواهی، بشردوستی در مقابل هیولای ناسیونالیسم و راسیسم و فاشیسم پنهان و عریان بود. جهان شاهد انفجار انسانیت علیه پانزده سال تلاش برای زدن مهر قومی و مذهبی به هویت انسانی بشریت، علیه راسیسم مخفی زیر

پوشش "تقابل مدنیت غرب و توحش شرق" بود. انسانیت خفه شده زیر بمباران تبلیغاتی و ایدئولوژیک ناسیونالیسم و فاشیسم و مذهب، علیه تحمیق سیستماتیک، علیه روایت های ارتجاعی از دنیا، جامعه، انسان، "تمدن غرب" و "توحش شرق"، امکان و فرصتی برای نفس کشیدن دوباره پیدا کرد.

پانزده سال بشریت و برابری طلبی و آزادی خواهی انسانی و طبقه کارگر را زیر بمباران تبلیغات ارتجاعی ترین و گندیده ترین ایده های بورژوازی، تبلیغات راست و ناسیونالیستی، تلاش برای دامن زدن به فردگرایی، "حق من"، "کشور من"، "نژاد من"، خفه کردند.

در تمام این سالها تعرضی سازمان یافته علیه آرمانهای انسانی، علیه امید به دخالت در سرنوشت خود، علیه هر ایده و تحرکی که مشربرابری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انسانها است، در جریان بود. خاورمیانه را به خون کشیدند تا افق اعتراض بشریت محروم را در سراسر دنیا خفه کنند. ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

بشتابید به سمت خواهر فائزه!

فواد عبداللهی صفحه ۴

به مناسبت بازگشایی ...

مبارزاتی که در ۷ ماه گذشته فضای کل جامعه را تحت تاثیر قرار داد و توقع و انتظار این است که در این دوره با به میدان آوردن کل ظرفیت و توان خود و از جمله با جلب حمایت جدی دانش آموزان و نسل جوان و خانواده هایشان، بتواند نه تنها معلمین دربند را آزاد کند و دست حراست و نیروهای انتظامی را در محیطهای تحصیلی کوتاه کند که بهبود قابل توجهی را در زندگی معلمان بوجود آورد.

بازگشایی مراکز تحصیلی همزمان در دوره جدیدی در جامعه ایران کلید میخورد. دوره پسا توافق هاسته ای که کل صف بندیهای سیاسی و رابطه مردم ایران و جمهوری اسلامی و کشمکشهای طبقه کارگر ایران و صف عدالتخواهی در این جامعه را بر متن شرایط جدید باز تعریف کرده است. دوره ای که با کنار رفتن فضای جنگی و بهانه های تهدید خارجی، با آزاد شدن سرمایه های منجمد شده ایران و برداشتن تحریمها و ... نه تنها بهانه های دولت ایران و کل سرمایه داران برای تحمیل بردگی بیشتر به طبقه کارگر حاشیه ای شده است، که توقع و انتظار مردم ایران از زندگی و بهبود معیشت خود، از حقوق سیاسی و مدنی خود و از کاهش فضای مذهبی و عقب مانده بالا رفته است. این دوره ای است که طبقه کارگر و اقشار ناراضی جامعه با بیان مطالبات خود از مراکز کار تا صف معلم و پرستار و تا دانشگاه و مدرسه امکان پا پیش گذاشتن را یافته است. توقعی که هر روزه با سد استبداد سیاسی و فرهنگی و با تشدید فشار اقتصادی بر جامعه روبرو میشود.

دانشجویان، دانش آموزان و معلمان آزادیخواه!

دو سال حاکمیت دولت اعتدال و دو سال مقابله و مقاومت صف عدالتخواهی آن جامعه، از نسل جوان آزادیخواه و برابری طلب، تا معلمان، از

مبارزات هر روزه بخشهای مختلف طبقه کارگران تا زنان و قشرهای محروم جامعه، و تعرض بی توهم دولت روحانی به این صف، نقطه پایانی به هر نوع امید کاذب در صف ما به این دولت و خیل مدافعان و مجیز گویان آن است. افزایش حقوق معلمان، کنار زدن فضای امنیتی و نظامی، آزادی معلمین زندانی و سد کردن اخراج و ستاره دار کردن دانشجویان، پس زدن قوانین ضد زن و جدا سازیها در مراکز تحصیلی، پایان دادن به تهدید و تحقیر و پرونده سازی و تاملین فضایی کمتر امنیتی و قابل نفس کشیدن، تامین دهها خواست و مطالبه قابل وصول و انسانی ما، تنها به همبستگی و اتحاد صف میلیونی ما ممکن است. جامعه ایران از کارگر و پرستار و معلم، تا نسل جوان در مراکز تحصیلی و زنانی که از بیحقوقی و آپارتاید جنسی به تنگ آمده اند، روزی هزار بار زندگی جهانی در این جامعه و عاملین آن و دولتتش را نفرین میکنند. روزی صدها اعتراض مختلف در میان این صف اتفاق می افتد و هنوز بهبود جدی و کسب موفقیتی چشمگیر به سراپی می ماند. در شرایطی که اگر نیروی ما متحد شود، اگر اعتراضات ما یک کاسه شود و اگر نفرت عمومی صف ما در یک جهت مشترک سوق داده شود، نه تنها میتوان زندگی بهتری را همین امروز تامین کرد، میتوان کل دستگاه سرکوب و حاکمیت بورژوازی ایران را مختل کرد. اینکار در توان ما است. اتحاد صف ما حول خواسته های مشترکی که داریم، همبستگی و هم پیمانی ما و روشنی مطالبه و خواست ما و تبدیل آن به خواست عمومی این صف و بسیج کل این صف، رمز موفقیت ما است.

معلمین، دانشجویان و دانش آموزان آزادیخواه و کمونیست
تامین همبستگی در صف
وسیع عدالتخواهی در میان

معلمین، در مدارس و دانشگاهها در گرو روشن بینی و دخالت آگاهانه و نقشه مند شما است. اتحاد آگاهانه صف شما کمونیستها، تصمیم مشترک و نقشه مند شما برای تحولی انسانی در آن جامعه، به کار سنجیده و سازمان یافته شما بستگی دارد.

سران جمهوری اسلامی با همه دولتهای تا کنونی، با رسانه های مختلف و خیل وسیعی از روشنفکران بورژوا، با هر اختلافی که با هم دارند، علیه آزادیخواهی در آن جامعه، متحدانه ایستاده اند. آنها علیه هر نوع رفاه و آزادی، علیه هر نوع حقوق سیاسی و اجتماعی ما، در کنار هم قرار میگیرند و در مقابل نیروی وسیع طبقه کارگر ایران و صف عدالتخواهی در دفاع از حاکمیت سرمایه سنگر میگیرند و از همه ابزارهای خود علیه ما و برای شکست ما، برای تحمیل یاس و ناامیدی و تسلیم ما به طبقه خود، استفاده میکنند.

امروز روزی است که صف ما کمونیستها میتوانیم در دل اعتراض هر روزه آن جامعه، با قرار دادن خود به عنوان لولای اتحاد این صف، منشا بزرگترین تحول به نفع کل بشریت در آن جامعه شود. این وظیفه تاریخی بر دوش ما است. این وظیفه بر دوش کمونیستهایی است که با چشمان باز کل حقایق آن جامعه را مبینند، نیروی دشمن و صف مقابل خود را میشناسد و توان و آمادگی نیروی خود را در دل مبارزات موجود، تقویت میکنند. کمونیستهایی که هر پیروزی ولو کوچک را ارج میگذارند و از آن به عنوان سکویی برای پرش به جلو و کسب مطالبات اساسی تر و بهبود بیشتر در زندگی هموعان خود استفاده میکنند. کمونیستهای آگاه و صاحب افق روشن که تلاش میکنند به محور اتحاد و خود آگاهی در میان نسل جوان و در همه محیطهای آموزشی تبدیل شوند. این وظیفه

اطلاعیه پایانی نشست دفتر کردستان

روز شنبه ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۵ نشست دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) با حضور کل اعضا دفتر کردستان و آذر مدرسی دبیر کمیته مرکزی حزب برگزار شد. دستورات نشست دفتر کردستان عبارت بودند از:

• گزارش کار دفتر کردستان
• اولویتهای دوره اخیر و اقدامات در دستور
• تقسیم کار و انتخابات
• گزارش، توسط مظفر محمدی ارائه شد. مظفر محمدی بطور ویژه به موقعیت حزب حکمتیست در کردستان و به کار و فعالیتهای دفتر در دوره قبل پرداخت. وی بر اساس نقشه دوره گذشته دفتر کردستان، به میزان پیشروی ما در شهرهای کردستان و همزمان به موقعیت حزب و دامنه نفوذ و تاثیر آن و میزان پیشرفت در اجرای آنچه به عهده دفتر بود، پرداخت.

کمونیستهایی است که خود در جمع و محافل و کمیته های کمونیستی در میان معلمین و دانش آموزان و دانشجویان، در شهر و محله متحد شده اند و به محور اتحاد و به هم بافتن صف آزادیخواهی در کل جامعه تبدیل میشوند. کمونیستهایی که به گذشته خود نگاه میکنند و از تجارب گرانبهای نسل قبلی خود، از تجارب دوران پرافتخار نسل جوان کمونیست در دانشگاهها، از تجارب دوره دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و از تجارب مبارزات تا کنونی معلمان استفاده میکنند و درسها و تجارب آن دوره را به عنوان بخشی از تاریخ جنبش خود مورد استفاده قرار میدهند.

این دوره زمان بلند کردن پرچم اعتراض ما در مدرسه و دانشگاه، در محلات، در میان

بدنبال آن، کل شرکت کنندگان در نشست به موقعیت کنونی حزب در شهرهای کردستان، تغییرات بسیار مثبت و امید بخش و میزان روی آوری به حزب، ضرورت جواب به این اوضاع و همزمان کاستی ها و کمبودهای آن پرداختند. آنچه در کل گزارش مشهود بود زمینه مناسب کار جدی دفتر کردستان، لزوم توجه و تمرکز بیشتر در عرصه های مختلف کار حزب در کردستان و اهمیت آن بود.

در بحث اولویتهای دوره آتی حزب در کردستان، ابتدا مظفر محمدی ضمن بیان نکاتی در مورد وضع کنونی جامعه کردستان به خطوط اصلی فعالیت دوره آتی دفتر و نیازهای آن پرداخت. در ادامه رفقای دفتر کردستان و دبیر کمیته مرکزی، ضمن نگاهی به اوضاع جامعه کردستان، موقعیت اپوزیسیون و جایگاه نیروهای سیاسی، اغتشاش و بی افقی در میان احزاب سنتی ناسیونالیسم کرد و موقعیت حزب ما، بر رؤس سیاستها و اقدامات دوره آتی دفتر کردستان در پرتو فعالیت کل حزب پرداختند. ...

کارگران و محرومان جامعه، علیه بی عدالتی و برای تامین زندگی انسانی، برای آزادی و رفاه و امنیت است. پرچمی که حول مهمترین خواسته های این صف در همه محیط های فوق نیرو جمع میکند، منشاء دوستی و اتحاد و تقویت همسرنوشتی است و با اتکا به یک صف مستقل و روشن بین، توحش و بربریت حاکم را لگام میزند و آینده ای روشن و امید بخش را در همبستگی میان دانشگاه و معلم و محصل با طبقه کارگر تضمین میکند. چنین تحول انقلابی به نیروی ما و با دخالت متحدانه همه کمونیستهای روشن بین، خوشنام و با اعتبار، همین امروز ممکن است.

زنده باد آزادی و برابری
حزب کمونیست کارگری-
حکمتیست (خط رسمی)
مهر ۱۳۹۴ - سپتامبر ۲۰۱۵

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!

باید راساً کاری کرد...

زندگی میلیونها انسان را به تباهی کشیدند، در مقابل بهار عربی، زمستان سیاه داعش را آفریدند تا نشان دهند در دنیای سیاه تحت سلطه شان هر تلاشی برای تغییر این سیستم، برای به زیر کشیدن آن نه فقط بیحاصل که همراه با تباهی است. خاورمیانه را به خون کشیدند تا آزادیخواهی و برابری طلبی را در سراسر دنیا به تسلیم و تمکین بکشند. اما ظاهراً قربانیان این جنایت رسالت شکستن این سد را به عهده گرفتند. سیل فراریان از جهنم خاورمیانه به اروپا، صحنه دردناک مرگ "ایلان کردی" تلنگری بود به انسانیت خفه شده زیر تبلیغات مسموم و ارتجاعی دول حاکم و دستگاه تبلیغات جنگی آنها. اگر کشتار مردم بیگناه فلسطین، کشتارهای دسته جمعی داعش در سوریه، چهره کودکان قربانی میلیتاریسم ناتو را فقط بر صفحه تلویزیونها میشد دید و در سکوت اشک ریخت، صحنه دردناک فراریان جنگی، توحش پلیس اروپا در مقابل آنان، اظهارات اولترا فاشیستی ویکتور اوربان در دل "اروپای متمدن" را نمیشد فقط با اشک در سکوت یا تظاهرات در خیابان جواب داد. چهره قربانیان این تراژدی و قابل لمس شدن آن، انسانیت خفته را بیدار کرد. باید راساً کاری کرد! تمام شورانگیز بودن این تحرک انسانی در همین است. باید راساً کاری کرد!

مردمی که علیه میلیتاریسم دول غربی تظاهراتی میلیونی کرده بودند، به حمله دولتهایشان به عراق نه گفته بودند، علیه کشتار مردم بیگناه فلسطین به خیابانها آمده بودند، علیه حمله به لیبی و سوریه اعتراض کرده بودند، اینبار صرفاً معترض و ناراضی علیه ارتجاع حاکم نبودند، اینبار مردم راساً اداره امور را بدست گرفتند. این شاید مهمترین تفاوتی است که این

تحرک انسانی با اعتراضهای تا کنونی در غرب داشته است. اگر تا دیروز امکان ممانعت از میلیتاریسم و کشتار مردم بیگناه به بهانه تقابل با دیکتاتورها و برای "گسترش دموکراسی" را نداشتند، امروز میتوانند با شکستن مرزهای نامقدس اروپا، با به استقبال قربانیان همین میلیتاریسم و ارتجاع رفتن، با تحمیل انسانیت خود به دول و سران مرتجع خود نشان دادند اگر دنیا دست ما باشد از ویروس و کثافتاتی چون ناسیونالیسم و مذهب شما خبری نیست، از هویت ملی و قومی و مذهبی دست ساخت شما خبری نیست و هویت انسانی هویت بشریت خواهد بود. نشان دادند دنیای ما دنیای پیروزی بازار آزاد، پیروزی "دموکراسی"، دنیای یک قطبی، دنیای پیروزی "تمدن" غربی، دنیای میلیتاریسم عنان گسیخته و باندهای سیاه قومی و مذهبی نیست. مردم به دست خود و با اراده خود چهره دیگری از جهان، از بشریت متمدن و انسانیت به معنی عمیق کلمه را در مقابل این دنیای سیاه قرار دادند.

در مقابل این تحرک اما صف گسترده بورژوازی در اروپا، از کامرون اولترا راست و اوربان فاشیست تا میدیای دست راستی و دستگاه تبلیغاتی راست ترین جناح بورژوازی انگلیس مانند بی بی سی تعرضی وسیع را برای عقب زدن این تحرک انسانی، برای به جهنم مرگ فرستادن قربانیان هالوکاست قرن بیست و یک سازمان دادند. تبلیغات "بحران پناهندگی"، "طرفیت کم اروپا"، "مسئولیت کشورهای همسایه"، مهاجر خواندن قربانیان میلیتاریسم خود و بالاخره استفاده از حربه کثیف مذهب و "دفاع از منزه نگاه داشتن اروپای مسیحی از وحوش مسلمان" سیستماتیک نه فقط از مجلس و دولت که از طرف ژورنالیستهای اولترا راست و جیره خوار به راه افتاد. فاشیستهای ضد عرب ایرانی که

ته این صف متعفن قرار دارند همراه فاشیستهای اروپایی برای عقب نماندن از قافله "خطر نفوذ داعشی ها" به "اروپای متمدن" را "هشدار" میدهند. ظاهراً همگی فراموش کردند "بحران پناهندگی" بیش از ده سال است گریبان مردم بیگناه خاورمیانه را گرفته است. ژورنالیستهای "باشرفی" که مرتب آمار "مهاجران" به اروپا را به رخ میکشند و فریاد جا نداریم، پول نداریم میکشند، فراموش میکنند که بنا به آمار "مراجع بین المللی" سال گذشته در هر ثانیه، بیش از چهار نفر در سطح دنیا آواره شده‌اند. که در پنج سال گذشته و به یمن "دخالت بشردوستانه" اربابانشان فقط در سوریه، بیش از ۲۵۰ هزار سوری کشته و ۱۲ میلیون نفر آواره شده‌اند و اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، تا پایان امسال، حدود یک میلیون نفر دیگر از سوریه آواره خواهند شد. فراموش میکنند که فقط در سال گذشته و به یمن توحش "جنگجویان آزادی" (داعش) نزدیک به دو میلیون عراقی آواره شده‌اند. مسئولین کشتارهای دسته جمعی در عراق، سوریه، لیبی، لبنان و افغانستان و ژورنالیستهای نوکرشان فراموش میکنند که فقط در سال ۲۰۱۲ میلادی، تعداد آوارگان و پناهجویان در دنیا به بیش از هفت میلیون نفر رسید. فراموش میکنند که فقط چهار میلیون آواره در داخل عراق وجود دارند. و بالاخره این حقیقت را پنهان میکنند که باز به گفته همین مراجع "۵۵ درصد پناهجویان جهان از پنج کشور افغانستان، سومالی، عراق، سودان و سوریه‌اند و ۸۱ درصد از پناهجویان به کشورهای در حال توسعه پناهنده شدند". سران "اروپای متمدن" با اینکه قربانیان جنایتشان در کمپ های پناهندگی در اردن و عربستان بر اثر وبا و تیفوئید می‌میرند، اینکه کودکان سوریه ای برای امرار معاش در کمپهایی که کامرون با

اطلاهی پایانی نشست ...

در این بحث کل شرکت کنندگان تاکید کردند که در میدان سیاست در این جامعه علاوه بر نقد دائمی پروژه های جمهوری اسلامی، تلاش دائم برای اتحاد در صفوف کارگران، تمرکزی جدی تری بر نقد روشن افقهای غیر کارگری، ملی و ناسیونالیستی تاکید کردند. دفتر کردستان همزمان دخالت در جنبش اعتراضی و تلاش برای موفقیت آنها را به عنوان بخشی از کار خود در دستور گذاشت.

نشست دفتر کردستان ادامه مباحثات خود به نقشه روشن کار دفتر در دوره آتی پرداخت.

وقاحت کامل از افتخارات خود میداند، وادار به بردگی مزدی شوند، اینکه فراریان جنایتشان مجبورند در کمپهای اردن آموزش نظامی ببینند و به "ارتش آزادیبخش سوریه" بپیوندند. آنها به روی خود نمی آورند که بخشی از نیروهای داعش امروز و جبهه النصر در ارتش آزاد سوریه دست ساز ناتو، از مردم گرسنه ای تشکیل شد که در کمپهای ترکیه، اردن و... و از سر استیصال و برای نجات جان کودکان خود مسلح شدند. تا زمانیکه این قربانیان در قرنطینه خاورمیانه و آفریقا هستند و کسی از زندگی اسف بار و مرگ تدریجی شان خبری ندارد، بحرانی به نام "بحران پناهندگی" موجود نیست. میتوان با نمایش لحظاتی از "زندگی" و مرگ قربانیان از تلویزیونها تصفیه حسابهای سیاسی کرد. هجوم آوارگان جنگی به اروپا صحنه را بهم زد، سکوت را شکست. این موج عظیم سکوت بورژوازی و مهمتر از آن سکوت بشریت متمدن را شکست.

تلاش امروز سران دول غربی برای بستن مرزها، نگاه داشتن قربانیان در اردوگاههای

دفتر کردستان بعلاوه در این جلسه اقدامات فوری را در جهت جوابگویی به نیازهای حزب در کردستان و در امتداد جهت و نقشه خود روشن کرد.

در بخش پایانی، شرکت کنندگان ضمن تاکید بر اهمیت کار دوره آتی، تقسیم کار میان اعضا دفتر کردستان و پاره ای اقدامات دیگر را روشن کردند. نشست دفتر کردستان همزمان خالد حاج محمدی را به اتفاق آرا به عنوان دبیر دفتر کردستان انتخاب کرد.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)
۲۳ سپتامبر ۲۰۱۵

مرگ در لبنان، اردن، عربستان و ترکیه، افزایش "کمکهای بشردوستانه" به اردوگاههای مرگ در منطقه ممکن است بتواند مانع فرار قربانیان و آوارگان جنگی شود اما یک تحرک، یک موج، یک روند را نمیتواند تغییر دهد.

تحرک و بیداری بشردوستانه، موج پس زدن فشار دو دهه "پیروزی بازار آزاد و دموکراسی غربی"، فشار ناسیونالیسم راست، موج بیداری غول عظیم انسانیت و بشردوستی در مقابل هیولای ناسیونالیسم. روند ما میتوانیم و باید راساً کاری کرد!

"شورفاه، آزادی و

امنیت مردم ایران" را

بدست گیرید!

<http://hekmatist.com/2015/HekmatistManshour.html>

قدرت طبقه کارگر در تحزب و تشکل اوست!

بشتابید به سمت خواهر فائزه!

فواد عبداللہی

”وقتی آیات قرآن را می‌خوانیم می‌بینیم که در آن زن و مرد برابر دانسته شده و خدا آن‌ها را برای یکدیگر آفریده است. پس لازم است با فرار گرفتن آن‌ها در کنار هم اعتدال ایجاد شود و این امر سبب شود تا زنان دیگر پیاده‌نظام جامعه و مردان ژنرال آن نباشند“
این اراجیف فائزه هاشمی در جامعه ای که کسی تره برای اسلام و قوانینش خرد نمی‌کند، تف سربالا توی صورت خودشان است. اینها بن بست ایدولوژیک جمهوری اسلامی و از دست دادن قدرت تحمیق اش در میان نسلی که خلاصی از شر قوانین اسلامی

را در هر کوی و برزن فریاد می‌زند، دیده اند. این نسل بعد از سه دهه اسیدپاشی اسلام بصورت زنان و فرو کردن پونس، به این توحش در هیچ نوعش - خوشخیم و بدخیم - رضایت نداد. به نابرابری و ستم بر زن تن نداد. برای نابودی ریشه ای و تمام و کمال آن مبارزه میکنند. با سوت ”اعتدال“ و ”تدبیر“ توقف نمیکند. راهش را کج نمیکند. شرایط و ملزومات آزادی و رهایی را میشناسد. کوتاه کردن دست مذهب از دولت و زندگی مردم شرط اولیه آزادی است. آزادی بی

قید و شرط زن شرط اول آزادی است. و این یکی از ستونهای اصلی اعتراض و تعرض به بنیادهای جمهوری اسلامی در جامعه است. تصور اینکه میتوان با تپاندن نصفی از جمعیت جامعه به درون قفس مقررات اسلام قسطی و جامعه عدل علی، دستی روی این باغ وحش بجای بجای، فقر و اعتیاد و فحشا کشید، خوشخیالی است. ترهات اینها، تلاش عبث شان برای کنار آمدن با واقعیت شکست عظیم ایدولوژیک جمهوری اسلامی شان است. میخواهند محیط زندگی شان در یک جامعه بشدت ضداسلامی را کمی ریلکس کنند. تلاش بیهوده ای است. مخدروی موقتی است. کمونیسم و آزادیخواهی

و برابری طلبی در کمین تان است و اسلام زدایی از جامعه، بخشی از رسالت و هویت آن است. خزعبلات فائزه و والده اش این روزها، انعکاس وضع اسفبار ایدولوژیک شان را نشان می‌دهد. حساب این‌ها روشن است. اما توده - اکثریتی‌ها، جبهه ملی‌ها، فرخ نگهدارها و بهنودها و بی بی سی‌ها و حواریون خجول در این طیف، بشتابید و بساط تان را پهن کنید! فائزه و والده برایتان در عرصه فعالیت مدنی دکانی باز کرده اند. هم ذاتی و تقارن جنبشی این طیف با جمهوری اسلامی براستی دیدنی است. جنبشی که تمام اجزا آن به انتهای آبرو و ظرفیت و فونکسیون تاریخی خود رسیده است و دیگر حتی

متولیان و مدافعین آن هم از مالکیت و ارتباط با آن اظهار براثت میکنند. جنازه ای است که دارد می‌گردد، نه وارثی دارد و نه حتی مرده شوری به آن نزدیک میشود. اینها باید فهمیده باشند که ما از لحاظ سیاسی ولشان نمیکنیم تا دیگر نتوانند به هیچ شکل و هیچ شرایطی علیه آزادی و برابری اقدام کنند. فقط یک راه دارند: از ۳۷ سال همراهی با جمهوری اسلامی دست بردارند؛ حداقل به اندازه خود جمهوری اسلامی ”شهامت“ یا تدبیر سیاسی داشته باشند و بفهمند که زمانه تغییر کرده است و باید از قهرمانان رسوائی و فضاحت و انواع خمینی‌ها و خلخال‌ها حداقل کمی فاصله گرفت.

در جستجوی بقا...

و در رکاب دولت مطبوع شان، از ادامه حیات رژیم اسلامی و پروفایل پر از جنایتش دفاع میکنند. آن دوره لازم بود خمینی ”رهبر و ناجی“ باشد، دوره بعد خاتمی و اصلاح طبان شدند، و حالا دولت اعتدال روحانی! اگر دوره ای توانستند سر ملت را برای مدتی با توافقات هسته‌ای، ”صلح و آشتی با غرب“، و موش دوانی در منطقه گرم کنند و در عوض مطالبات فروکوفته طبقه کارگر، زنان و جوانان جامعه ایران را در حاشیه و بی جواب بگذارند، اما امروز هراسشان از خطر برخاستن همین مطالبات در ”حاشیه“ است که می‌رود در متن سنگین ترین و مهمترین معادله در جامعه قرار گیرد و مو به تشنه سیخ کند. دو سال و نیم پیش فقط ما کمونیست‌ها با قاطعیت گفتیم که این رژیم نه پاسخی به معضل بیکاری دارد، نه قرار

است دستمزد کارگر را افزایش دهد، نه قرار است بیمه بیکاری مکفی پرداخت کند، نه قرار است ساعت کار را کاهش دهد، نه قرار است آپارتاید جنسی را براندازد، نه قرار است امنیت را به جامعه برگرداند، نه قرار است ستمکشی زن را مجازات اعدام را لغو کند و نه قرار است آزادیخواه باشد... و نه هیچ قرارای جز ادامه سرکوب و به تمکین کشاندن اکثریت مردم محروم جامعه به وضع موجود ندارد. امروز دیگر نباید به کمتر از ”برقراری فوری حداکثر ۳۰ ساعت کار در هفته“، ”پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال“، ”برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد“، ”آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، حزب و تشکل“، ”لغو فوری مجازات اعدام“ و ... رضایت داد! در این حساس ترین لحظات

که رفسنجانی هشدار سر میدهد که ”هرجا لازم است سکوت کنیم تا این انقلاب بماند“ و زمانی که خامنه ای خطر امنیت داخلی را بو می‌کشد و بچه های سپاه را بسیج میکند و روحانی بدو بدو به سمت نیویورک رهسپار میشود، این ”اپوزیسیون“ پرو رژیم نیز در جستجوی بقا خود برای جا نماندن از قافله، از فضایل و خصایل دولت و ارگانهای سرکوب آن، تا مزایای تحکیم استبداد ”ملی“ سخن میگوید.
بگذار مردم دنیا در قرن ۲۱، صف این مفلوکین و چشم اندازی را که در مقابل جامعه قرار می‌دهند ببینند. بگذار همه بدانند که در جستجوی بقا هم خود آلترناتیوی است!
اما مسیر مبارزه اکثریت مردم محروم جامعه ایران، طبقه کارگر و زنان و جوانان،

برای آزادی و برابری و رفاه را نمیتوان بیش از این به سمت توهم به جمهوری اسلامی، جناح‌های متفاوت بورژوازی ایران و دولت‌های رنگارنگ آن، کج کرد. فی‌الحال این برزخی است که خود رژیم و جناح‌های بورژوازی هم پاسخی جز ادامه تحمیل فلاکت اقتصادی و سرکوب سیاسی طبقه کارگر، در آستین ندارند. برای کمونیست‌ها و طبقه کارگر، امروز روزی است که باید پرچم مطالبات واقعی و فروکوفته خود را به اهتزاز درآورد. امروز باید ”منشور رفاه، امنیت و آزادی مردم ایران“ را بدست گرفت. جامعه ایران دوره حساس و خطیری را از سر می‌گذرانند. سرنوشت یک جامعه ۷۰ میلیونی در حال تعیین شدن است. جدال بین استبداد و آزادی، مبارزه بین کار و سرمایه لحظات تعیین کننده ای را طی میکند.

پیش شرط خلاصی از این وضع، راه‌هایی ما و طبقه کارگر ایران از شرایط نکبت باری که این رژیم به‌همراه آورده است، دقیقاً از مسیر پافشاری متحدانه بر مطالبات مستقل رفاهی، سیاسی و طبقاتی می‌گذرد. قبل از آنکه بورژوازی ”آلترناتیو“ دیگری را سرهم کند، حول مطالبات رفاهی خود متحد شوید و دست به تعرض متحدانه بزنید. همه چیز در گرو انسجام و اتحاد گرایش کمونیستی طبقه کارگر است که امروز در حال گسترش و اشاعه حقایق طبقاتی است. کمونیسمی که نحوه دخالت مستقل طبقه کارگر در رویدادهای سیاسی پیش رو را از هم اکنون ترسیم میکند.

زنده باد انقلاب کارگری!

www.hekmatist.com
سردبیر: فواد عبداللہی
fuaduk@gmail.com
تماس با حزب
hekmatistparty@gmail.com